

هند،

غولی که بیدار می شود

ارویند پاناگاریا



کشورهای در حال توسعه با کار فراوان، اقدام به تولید طیف کاملی از کالاهای ساخته شده نموده و نسبت های سرمایه به کار بالا و مضاعفی را تجربه می کنند.

تجربیات کره جنوبی، تایوان، برزیل و به تازگی چین، دقیقاً توجیه کننده این مدعا است. افزایش سهم صنعت در GDP به طور کلی و تولیدات کاربر به طور خاص با پذیرش راهبردهای برون گرا در این کشورها همراه شد. صدور محصولات کاربر بدون مهارت از قبیل لوازم منزل، پای افزار، اسباب بازی و صنایع سبک بی شمار به سرعت گسترش یافت.

اما حضور هند در اقتصاد جهانی الگوی متضادی را به وجود آورده است. با وجود آن که بخش های صنعتی و خدماتی هند تقریباً به اندازه چین باز هستند و میانگین تعرفه های صنعتی ۱۰ درصد است که اندکی از ۹ درصد در چین بالاتر است و نیز در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ حقوق و عوارض گمرکی به صورت نسبی از واردات کالا فقط ۴/۹ درصد بوده است

تاریخ نشان داده است که موفقیت توسعه اقتصادی مستلزم صدور کالاهای ساخته شده کاربر است. سیاست های هند با این که در بسیاری جنبه ها نگاه مثبتی به اقتصاد جهانی دارد، معهذاً همچنان در زمینه گسترش بخش های کاربر با ممانعت هایی روبه روست.

مزیت اصلی که برای راهبرد توسعه برون گرا بر شمرده می شود، این است که به کشورهای فقیر و با نیروی کار فراوان اجازه می دهد که در محصولات کاربر، تخصص یافته تا بتوانند از موجودی سرمایه محدود خود حداکثر کارایی و بهره لازم را ببرند. این نقل قول از آناکروگر (۱۹۸۵) بسیار مرتبط با موضوع است: راهبرد صادراتی به کشورها اجازه می دهد تا از بازار بین المللی برای مبادله کالاهای نسبتاً کاربر خویش با کالاهای سرمایه بر خارجی استفاده کنند. بنابراین آنها قادر به منتفع شدن از تقسیم کار و تخصص می شوند. این توانایی در تضاد شدید با سیاست های جانیشینی واردات است که



و درهای کشور به روی سرمایه گذاری خارجی باز هستند و در اکثر بخش ها به صددرصد هم می رسد که به هر حال این گشایش ها به شتاب گرفتن رشد ۶/۳ درصد در دو دهه گذشته و تقریباً ۹ درصد در چهار سال گذشته انجامیده است؛ ولی تجربه هند حداقل در سه جنبه مهم با چین تفاوت دارد و این تفاوت ها مانع از آن شده است که هند بتواند از همه ظرفیت های اقتصادی خود استفاده کند.

نخست در حالی که هند، شاهد کاهش سهم کشاورزی در GDP بوده است، چین افزایش محسوسی در سهم تولیدات کارخانه ای تجربه نکرده است. دوم این که صادرات به خارج و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در هند به اندازه چین، شاهد گسترش سریع نبوده است. سرانجام رشد صادرات هند در بخش های صنعتی صرفاً سرمایه بر و یا با کارگر ماهر بوده است. جابه جایی به نفع محصولات تولیدی توسط کارگران ساده که به طور سنتی در واکنش به پذیرش سیاست های برون گرا مشاهده می شد در هند اتفاق نیفتاده است.

سهم تولیدات کارخانه ای در GDP در هند از ابتدای دهه ۱۹۹۰ در رقم ۱۷ درصد ثابت مانده است ولی این سهم در چین به رقم عجیب ۴۱ درصد در سال ۲۰۰۶ رسیده است، صادرات اصلی و پر رشد هند عبارتند از کالاهای مهندسی، فرآورده های نفتی، جواهرات و نرم افزار که عموماً سرمایه بر یا کارگر ماهر بر هستند. سهم منسوجات و پوشاک در کل صادرات تجاری از ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۶ رسیده است. پوشاک تولیدی آماده که کارگر ساده برند فقط نصف صادرات پوشاک را تشکیل می دهند. بر عکس در چین به محض این که اقتصاد در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع به باز شدن کرد، الگوی صادراتی با سرعت و با

استفاده از موهبت عوامل تولید کشور تطبیق یافت. سپس در دهه کنونی با افزایش نیروی کار ماهر، به سمت عملیات مونتاژ پیشرفته تر، از قبیل ماشین آلات دفتری، مخابرات و تجهیزات برق حرکت کرد.

چشمگیرترین تفاوت بین هند و چین در میزان حضور آنها در اقتصاد بین الملل است. یک معیار این تفاوت رشد سالانه تجارت چین است که از کل تجارت سالانه هند طی چند سال گذشته بیشتر بوده است. برای مثال صادرات کالایی چین در سال ۲۰۰۵ با ۱۶۹ میلیارد دلار افزایش نسبت به سال قبل (۲۰۰۴) به ۷۶۲ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با کل صادرات هند که در آن سال فقط ۱۰۳ میلیارد دلار بوده است، شکاف زیاد بین مقادیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی دو کشور را کاملاً مشخص می دارد.

چگونه این تفاوت‌ها را با وجود واکنش مثبت هر دو کشور به اقتصاد بازار، باز شدن تجارت و با وجود موهبت منابع بسیار مشابه تبیین کنیم؟ کلید پاسخ به این پرسش، واکنش ضعیف نسبت به تولیدات کاربر با مقیاس بزرگ، شامل فعالیت‌های مونتاژ و پردازش در هند بر خلاف چین است.

فهم متعارف می‌گوید که این فعالیت‌ها به صورت آهن ربایی برای جذب سرمایه مستقیم خارجی عمل کرده و مسیری برای توسعه صادرات چین بوده، اما این اتفاق در هند نیفتاده است.

فعالیت‌های تولید کارخانه ای بزرگ مقیاس کاربر اصولاً در هند غایب است. کارخانه‌های لوازم خانگی که هزاران کارگر را زیر یک سقف در چین به استخدام دارند در هند غایب هستند.

تبیین علل عملکرد ضعیف تولیدات کاربر «بزرگ مقیاس» را باید در رژیم سیاست‌گذاری داخلی هند هم در گذشته و هم در حال جستجو کرد. تا انتهای دهه ۱۹۸۰، بنگاه‌های بزرگ هندی محدود به بخش‌های سرمایه بر می‌شدند. حتی در این بخش‌ها، اندازه بنگاه‌ها از طریق مجوز دهی براساس میزان برآورد بازار داخلی توسط مقامات دولتی محدود می‌شد. همین سیاست برای شرکت‌های خارجی هم به کار می‌رفت البته این محدودیت‌ها عمدتاً به اصلاحات عظیم سال ۱۹۹۱ و اصلاحاتی که بی‌درنگ به دنبال آن آمد پایان یافت.

اما این اقدامات برای تحریک تولیدات کاربر بزرگ، مقیاس کاملی نبود زیرا با توجه به سوابق امر که سیاست هند، حفظ تولید کنندگان کاربر برای تولید انحصاری در بنگاه‌های کوچک بود حتی پس از سال‌ها آزادسازی فضای کسب و کار، بنگاه‌های کوچک با محدودیت سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیون روپیه، (تقریباً ۱/۲۵ میلیون دلار) در کارخانجات مواجه هستند.

تا زمانی که این قید و شرط‌ها برقرار بود تولید کنندگان کاربر با کیفیت بالا که قادر به رقابت در بازارهای جهانی بودند، شانس ظهور در حجم وسیع را نداشتند. اکثر بنگاه‌های کوچک در بازار داخلی حمایت شده فعالیت می‌کردند. این مشکل سرانجام در دهه ۱۹۹۰ به رسمیت شناخته شد، دولت شروع به اصلاح در زمینه «کوچک مقیاس» و تعداد و اندازه و کیفیت و فهرست کردن آنها نمود. حتی پس از این اصلاحات هم پیشرفت کند بود.

با وجود آن که اکثر محصولات «کاربر» شامل اسباب بازی، پای افزار، وسایل ورزشی و لوازم خانگی، چند سالی است از فهرست اختصاصی صنایع «کوچک مقیاس» خارج شده‌اند و حتی برای محصولاتی که هنوز در فهرست صنایع «کوچک مقیاس» هستند، تولید «بزرگ مقیاس» حداقل از مارس ۲۰۰۰ اجازه داده شده است با این حال تولیدات کاربر به نحو سرسختانه‌ای غیرحساس باقی مانده‌اند. مهم‌ترین عاملی که هنوز بنگاه‌های بزرگ را از ورود به تولید این محصولات کاربر باز می‌دارد، قوانین کار سخت و سخت است، تحت این قوانین، اصولاً برای یک بنگاه اخراج کارگران حتی در حالت ورشکستگی غیرممکن است. به همین اندازه

جابجا کردن کارگران از یک وظیفه به کار دیگر دشوار است. این مقررات کار باعث بهره‌وری بسیار پایین کارگر شده و هزینه واقعی نیروی کار را بالا برده است. بخش‌های سرمایه بر «بزرگ مقیاس» از قبیل خودروسازی که هزینه‌های نیروی کار سهم ناچیزی از کل هزینه‌ها را دارند، در این شرایط و در چنین محیطی امکان سودآوری دارند. اما همین مسأله در مورد بخش‌های کاربر «بزرگ مقیاس» صادق نیست. معدود تولید کنندگان خارجی مایل به ورود به بازار هند، خارج از زیر مجموعه کوچکی از بخش‌های سرمایه بر و کارگر ماهر بر هستند.

دو عامل دیگر که تولید کاربر هند را عقب نگهداشته‌اند عبارتند از: نیروی برق پر هزینه و زیرساخت حمل و نقل ضعیف. نه فقط بنگاه‌های هندی قیمت بسیار بالایی برای برق نسبت به نقاط دیگر جهان می‌پردازند، حتی اطمینانی هم به عرضه برق مورد نیاز خود ندارند. به همین ترتیب، شبکه حمل و نقل در هند با وجود بهبود قابل توجه، همچنان ناکار و غیر قابل اطمینان است. زمان صرف شده برای ترخیص کالاهایی که به بنادر وارد و یا از آن خارج می‌شوند و حرکت کالا بین بنادر و مکان‌های تولید که برای فعالیت مونتاژ و پردازش اهمیت زیاد دارد در هند بسیار بالاتر از هر کشور مشابهی مثل چین است.



بهرحال با وجود آن که نرخ رشد اقتصادی بالا به هند کمک کرده است تا نسبت فقر (نسبت فقرای زیر خط فقر رسمی) از ۳۶ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۵ برسد. مع الوصف گذار هند به اقتصاد مدرن با مشکل همراه است. هند باید هنوز اکثریت وسیعی از نیروی کار خویش را از فعالیت کشاورزی به سایر بخش‌ها حرکت دهد و از همه مهم‌تر قوانین کار و استخدامی خود را تغییر دهد. در شرایط فعلی هند فقط با بخش خدمات که سرمایه بر و نیروی کار ماهر بر است، صرفاً می‌تواند قدم زدن را آن هم فقط با یک پا انجام دهد و اقتصاد کشور می‌تواند لنگ لنگان در امتداد گذار به جلو حرکت کند. برای تحول سریع‌تر اقتصادی، هند باید با دو پا راه برود. منظور این است که رشد سریع تری در تولید محصولات کاربر اتفاق بیافتد و این میسر نیست مگر با تغییر قوانین کار و استخدامی و اصلاح سیستم حمل و نقل و تولید و توزیع اقتصادی انرژی به ویژه انرژی برق. □



شانزدهمین دوره برگزاری هفته کتاب را با نگاهی عمیق به آنچه خوانده‌ایم و آنچه باید می‌خوانده‌ایم، گرامی می‌داریم.

هر سال دو حادثه‌ی مهم در باب کتاب و کتابخوانی در کشور ما اتفاق می‌افتد؛ در نیمه اول سال، نمایشگاه بزرگ کتاب تهران، هوای فرهنگی کشور را عطرآگین می‌کند و در نیمه دوم سال، هفته کتاب این عطر افشانی را به کمال می‌رساند.

امسال نیز که شانزدهمین هفته کتاب را گرامی می‌داریم، انتظار می‌رود دستگاه‌های فرهنگی و مسئولین امر کتاب و کتابخوانی امکانات اولیه برای برگزاری هر چه پرشورتر این هفته را فراهم آورند و فرصت بهره‌گیری از برنامه‌های آن برای همگان ایجاد شود. علاوه بر متولیان امر کتاب و کتابخوانی در کشور که لازم است مثل همیشه پرتلاش و کوشا عمل کنند، موضوع مطالعه کتاب، به آحاد جامعه برمی‌گردد و باید یکایک ما برای این مهم قدم برداریم.

شما نیز شاهد بوده‌اید که هرگاه در مورد کتاب خواندن و سرانه مطالعه در جامعه صحبت می‌شود، گوینده و مخاطب و همه و همه اظهار تأسف می‌کنند در حالی که اظهار تأسف مشکلی را حل نمی‌کند. باید مطالعه کنیم تا سرانه‌ی مطالعه کتاب در کشور ما بهبود پیدا کند. باید فضاهای داخلی منازل، سازمان‌ها و ادارات، شرکت‌ها و مغازه‌ها و حتی محل‌های عمومی مانند مترو و اتوبوس‌ها با کتاب آمیخته شود و آنچنان کتاب در دسترس باشد که هیچ توجیهی برای نخواندن باقی نماند...

به امید روزی که دوباره بخوانیم:

من یار مهربانم

دانا و خوش بیانم...

پندت دهم فراوان

من یار پند دانم ...

